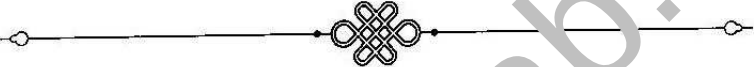


تاریخ اسلام

امامت حسنینؑ در روزگار معاویه (۹)



عبدالمجید معادیخواه

سرشناسه	: معاویہ خواہ، عبدالمجید، ۱۳۲۱-
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ اسلام: امامت حسنین ع در روزگار معاویه / عبدالمجید معاویہ خواہ
مشخصات نشر	: تهران: نشر ذره، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۶۴۰ ص.
فروست	: تاریخ اسلام
شابک	: 978-964-9918-167
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نمایه
عنوان دیگر	: امامت حسنین ع در روزگار معاویه
موضوع	: حسن بن علی ع، امام دوم، ۳- ص.
موضوع	: حسین بن علی ع، امام سوم، ۴-۶۱ ص.
موضوع	: معاویه بن ابی سفیان - خلیفه اموی، ۲۰ ق. از: سرت - ۶۰ ق. - نقد و تفسیر
موضوع	: امویان - تاریخ
موضوع	: امامت
موضوع	: خلافت
	: کشورهای اسلامی - اوضاع اجتماعی - ۴۱ - ۱۳۲ ق.
رده بندی کنگره	: ۲۱۳۹۴ ت ۶ م / ۵ / ۳۸ DS
رده بندی دیویی	: ۹۰۹ / ۰۹۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۳۵۷۸۵



نشر ۵۰

تاریخ اسلام

امامت حسنینؑ در روزگار معاویه

عبدالمجید معادیخواه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۸

صفحه آرای، ویرایش، طرح روی جلد و نظارت بر چاپ: واحد تولید ذره

حروفچینی: فریده تهیدست

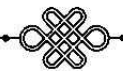
چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

مدیر مسئول: حسن معادیخواه

تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال

نشر ذره، تهران، میرداماد، نرسیده به اسکان، شماره ۳۴۹، طبقه ۹، تلفن: ۸۸۷۹۶۲۸۲-۸۸۸۸۰۱۳۱



فهرست

زنان در دوران یکه‌تازی ۱۳ • سبب از هر چیز! ۲۵ • زمان این یا آن دیدار؟ ۲۵ • درنگی پیرامون برخی خطبه‌ها ۲۸ • یادآوری نکته‌ای مکرر ۲۸ • به بحث انگیز ۳۰ • نقطه‌ای ناقابل در تاریخ قلم ۳۱ • فرصتی ارزشمند ۳۳ • نکته‌هایی در حاشیه ۳۴ • مغالطه‌ای سرخین! ۳۵ • نمونه‌ای از تنگناها ۳۹ • بازگشت به دمشق ۴۱ • کج‌دار و مریزا ۴۲ • یادآوری نکته‌ای مهم ۴۳ • با اعراف به راستی‌ها ۴۴ • دست مریزاد، به هنرپیشه‌های کاخ سبز! ۴۶ • سوده در کاخ سبز ۴۸ • تقدیر قدرت ۵۳ • زمان این دیدار! ۵۴ • از میان نکته‌ها ۵۵ • راز گزینش این قلم ۵۶ • مرز دو رفتار! ۵۸ • مرز رانت و زکات قدرت! ۵۸ • باز، رازی فضای متن ۵۹ • از سر نخ‌های طلایی! ۶۰ • چند پرسش ۶۱ • فراگیری عدالت ۶۲ • پرسشی دیگر ۶۲ • اطلاعات مریم در ندمت حقوق شهروندی ۶۴ • رازداری مضاعف ۶۴ • بکاره هلالیه ۶۵ • در کدام سفر؟ ۶۷ • بانوان بزرگ ۶۸ • شانس، در همت بلند! با رنگ و لعاب ۶۹ • بانویی دیگر از عراق ۷۰ • نیم‌نگاهی به تاریک‌خانه‌ها! ۷۲ • درنگی در رمز شاعران از این متن ۷۵ • طبقه‌بندی متن‌ها ۷۶ • درگیری اُم سنن با مروان ۷۸ • در مقایسه با سوده ۸۰ • سیاست مروان ۸۱ • بانویی دیگر ۸۲ • سیاست علوی در نگاه رقیب ۸۴ • ارزش‌های مضاعف آن سیاست ۸۶ • در بیابان‌های حجاز ۸۷ • شکست معاویه ۸۹ • جبران شکست، با حاتم‌بخشی ۹۱ • پی‌افزودی بر این داستان ۹۴ • دهر حر و دیش ۹۵ • گفتار حماسی اُم‌الخییر در صفین ۹۷ • حماسه‌ای دیگر ۹۹ • متن‌هایی بر رمز و راز ۱۰۰ • ناگفته‌های صفین ۱۰۲ • دختر عبدالمطلب ۱۰۳ • در دیدار اُم البراء ۱۰۷ • پیام مشترک در داستان‌های گوناگون ۱۰۸ • چاشنی مدح علی^ع در خدمت زبان‌زد شدن بزرگواری معاویه ۱۰۹ • داستان آخر ۱۱۰ • درنگی در متن‌هایی از این دست ۱۱۳ • این رشته سری دراز دارد ۱۱۶ • رمز و راز سیاست معاویه ۱۱۶ • چون و چراها ۱۱۷

واپسین روزهای یکه‌تازی ۱۱۹ • پی‌افزودی بر بخش پیشین ۱۲۱ • ستایش از مزدوران ۱۲۲ • هنری غلط‌انداز! ۱۲۳ • از زاویه‌ای دیگر ۱۲۳ • گزارش مسعودی ۱۲۴ • زنه‌ار به مخاطب ۱۲۵ • جابر کیست؟ ۱۲۷ • خشم معاویه

از جابر ۱۲۸ • در ترازوی مقایسه ۱۳۰ • بیعت جابر! ۱۳۲ • زنهاری از تسامع ۱۳۴ • بانویی در جایگاه فتوا ۱۳۵ • راز اهانت به جابر! ۱۳۶ • درنگی در حلم جابر با نگاهی معطوف به تاریخ اندیشه ۱۳۷ • در روزگار خودکامگان ۱۳۷ • حرف آخر جابر ۱۳۹ • زمزمه‌های پیری دل شکسته ۱۴۲ • نیم‌نگاهی به حدیث‌های نبوی ۱۴۳ • آرزوی قلم! ۱۴۶ • معمای بازسازی گذشته ۱۴۶ • بازخوانی آن دیدار و گفت و گو در نگاهی دیگر ۱۴۷ • روش‌شناسی تاریخ ۱۴۸ • سیاست دمشق؟ ۱۴۹ • فضای باز سیاسی! ۱۵۲ • سیاستی دو گانه ۱۵۳ • موج تازه‌ای از مخالفت ۱۵۶ • موسم حج ۱۵۶ • تفاوتی خیال‌انگیز ۱۵۸ • مبانی این فرضیه ۱۶۰ • هیولایی نقاب‌دار، با عقده‌ای روانی! ۱۶۲ • معاویه بر لب پرتگاه ۱۶۳ • اختلاف روایت‌ها ۱۶۴ • مرگ مشکوک پسر ابوبکر ۱۶۶ • به رسم د اء از تاریخ‌نگاری سنتی ۱۶۸ •

جای خالی این عباس! ۱۷۱ • موضع ابن عباس! ۱۷۳ • متنی بر رمز و راز ۱۷۴ • راز انسجام خبرها و خاطره‌ها ۱۷۵ • رضیه، نام و خریدیر! ۱۷۶ • نکته‌هایی از این متن ۱۷۷ • زنجیره‌ای از توطئه‌ها ۱۷۷ • مؤلفه‌های فرضیه ۱۷۸ • گرایش گسترده به خط خوارج ۱۸۱ • خط ابن عباس ۱۸۳ • جامعه‌ای آستان فاجعه ۱۸۳ • نقش عبیدالله ۱۸۵ • نزاع و نصب‌های پی‌درپی ۱۸۵ • عبیدالله، تیغ خشونت در نیام ۱۸۶ • سایه‌ای از ابهام ۱۸۷ • طبقه‌بندی جریان‌ها، سیاسی ۱۸۹ • گام جای خوارج ۱۹۰ • آل زیاد، آتشی بر رشته‌های معاویه ۱۹۲ • پاسخی به پرسشی مکرر ۱۹۲ • خط امامت ۱۹۳ • شاخ و برگ‌های تخیل‌آمیز ۱۹۶ •

سرنگونی فواره ۱۹۹ • تفاوت شرایط سیاسی ۲۰۱ • پاسخی به تبعیض ۲۰۲ • تفرقه‌افکنی، مبنای سیاست دمشق ۲۰۳ • فشار مضاعف بر بنی‌هاشم ۲۰۶ • تفاوت دو روش ۲۰۷ • برداشت‌های انحرافی ۲۰۸ • از میان نکته‌ها ۲۱۱ • جمع‌بندی ۲۱۵ • خط امامت در ترازوی قلم ۲۱۶ • نامه‌نگاری‌های مروان ۲۱۸ • پیش‌بینی و پس‌بینی، در ترازوی قیاس ۲۱۹ • جای خالی یزید ۲۲۰ • دشمن، خصم ۲۲۲ • نگرانی از هزارستان مروان با توهم توطئه ۲۲۳ • موضع و روش ابن عباس بر محملی دیگر ۲۲۵ • درگم‌رکمین یا بازنشسته‌ای حاشیه‌نشین ۲۲۵ • هم‌دستی آل زیاد و آل مروان ۲۲۶ • طبقه‌بندی سرداران یزیدی ۲۲۷ • سیم‌نگاهی به سرگذشت آل زیاد ۲۲۹ • هم‌دردی دو بازی‌گر ۲۳۰ • نبض کوفه در دست پسر زیاد ۲۳۱ • نقش سرنگ‌ساز عبیدالله ۲۳۲ • از نگاه معاویه ۲۳۳ • پسر عموی معاویه ۲۳۴ • جمع‌بندی ۲۳۷ •

معاویه در حجاز ۲۳۹ • گزارشی از روند بیعت ۲۴۱ • یکی از آخرین پرده‌های نمایش ۲۴۳ • دغدغه‌ی اصلی ۲۴۶ • مأموریت مروان ۲۴۷ • نمایش‌های معاویه ۲۵۱ • طبقه‌بندی منابع ۲۵۲ • جریان‌شناسی تاریخ ۲۵۴ • نخستین گام در ائتلاف مخالفان ۲۵۴ • هزینه‌های سنگین حاتم‌بخشی‌ها ۲۵۵ • بازگشت به جریان‌شناسی ۲۵۶ • سندی ارزشمند ۲۵۷ • مغالطه‌ای راه‌گشا ۲۵۹ • ابن حصین و رفت و آمد او میان زیاد و معاویه ۲۶۰ • ستایش از دیکتاتوری! ۲۶۲ • بهره‌کشی ابزاری ۲۶۳ • درنگی راجع به «فلته» ۲۶۴ • رفت و بازگشتی به سقیفه ۲۶۴ • دوگانگی در سخن ابوبکر ۲۶۵ • حدیث تراشی‌ها ۲۶۶ • سخن از نماز ۲۶۷ • استعفا! ۲۶۷ • نانوشته‌ها ۲۶۸ •

دوگانگی دیگر ۲۶۹ • استعفای کارگزاران پیامبر ص ۲۷۰ • سیاستی ستایش انگیز ۲۷۰ • رنجش یادگار پیامبر ص ۲۷۱ • باز هم یکی از اما و اگر ها ۲۷۲ • از نگاه بانویی کهن سال و دین باور ۲۷۳ • بوزش از مخاطب ۲۷۵ • نمونه‌ای از میان روایت‌ها ۲۷۸ • بازگشت به محفل معاویه ۲۷۹ • از روزن آن محفل ۲۸۰ • خاطره‌ای از صفین ۲۸۱ • نکته‌های کلیدی ۲۸۴ • طبقه‌بندی جریان‌ها، آسیب‌شناسی شورا ۲۸۵ • نکته‌ای مربوط به روش‌شناسی تاریخ ۲۸۷ • دیروز و امروز در ترازو ۲۸۸ •

چند نکته پیرامون: گفتمان سازی‌ها! ۲۹۱ • بیج بجه‌هایی سرنوشت ساز ۲۹۳ • فی‌الله وللشوری! ۲۹۳ • رفتاری استثنایی در سیره علوی ۲۹۴ • دو راهی‌های تاریخ ۲۹۵ • آموزه‌ای قرآنی ۲۹۷ • در سپهر مفاهیم فرهنگ ساز قرآنی ۲۹۸ • برای و اردوگاه ۲۹۹ • نقش نخیکنان و مردم در دو حوزه ۳۰۰ • دو دیدگاه، با دو فرهنگ ۳۰۱ • تفکر پنجاه و هفت! ۳۰۲ • فرایند ارتداد! ۳۰۲ • ظرافت‌های ادبی در گفتار علوی ۳۰۳ • تنگنای پیامبر ص در ابلاغ پیام غدیر ۳۰۴ • آغاز انحطاط! مدن اسلامی ۳۰۵ • خشونت! (= فتنی الناس... بخیط و شماس و تلون...) ۳۰۶ • آخوربینی! ۳۰۷ • سخن معاویه در نگاهی دیگر ۳۰۷ • نکته‌ای دیگر ۳۰۹ • شورا و استبداد، چونان دو فرهنگ ۳۱۰ • از نانوشته‌های تاریخ ۳۱۱ • چندین هدف با یک تیر ۳۱۳ • ابن سعد ۳۱۳ • یا حسین چه کنم؟ ۳۱۴ • درنگی در رمزگشایی از این متن ۳۱۵ • طبقه‌بندی گفتمان‌های سیاسی ۳۱۶ • از میان نکته‌ها ۳۱۷ • انتلافی میان مخالفان ۳۱۷ • داستان‌های پرسش انگیز ۳۱۸ • آوری، با ابزار سنتی ۳۲۵ • مرز حدیث و خاطره ۳۲۶ • خرده گفتمان‌ها ۳۲۷ • طبقه‌بندی گفتمان‌ها ۳۲۸ • پرسش‌های راهگشا ۳۲۹ • پرهیز از مطلق‌اندیشی ۳۳۰ • راز تقابل دو تعبیر! ۳۳۱ • نکته‌ای رمزگشا ۳۳۱ • نتیجه گیری ۳۳۱ • از کدام زاویه؟ ۳۳۳ • چند روایت پرسش انگیز ۳۳۵ • درنگی پیرامون این متن ۳۳۷ • ترجیع بندی در سخن عمر ۳۳۸ • یگانه توجیه ۳۳۹ • کانون هرفساد ۳۴۰ • روزنی برای تماشای محفل‌های سیاسی ۳۴۱ • انگیزه‌های دروغ پر از ۳۴۱ • اتهام امام علی علیه السلام به شوخ طبعی! ۳۴۳ • نقش پسر نابغه ۳۴۴ • در خلوت آن دو هم راز ۳۴۷ • باز هم سخن از ر بازیگر ۳۴۸ • در خلوت با مغیره ۳۴۹ • در پاسخ به یکی از پرسش‌ها ۳۵۰ • فراز و فرودها ۳۵۱ • راز و نیاز ۳۵۴ • بازگشت به بحث گذشته ۳۵۵ •

پیرامون حضور در: آخرین موسم حج! ۳۵۷ • حضور آخر در موسم حج ۳۵۹ • محوریت حسین علیه السلام ۳۵۹ • درنگی پیرامون متن‌هایی از این دست ۳۶۲ • از انبوه نکته‌ها ۳۶۳ • برخاش مروان به پسر ابوبکر ۳۶۴ • حضور چشم‌گیر حسین بن علی علیه السلام در میان مخالفان ۳۶۵ • مروان؟ ۳۶۷ • خط خشونت ۳۶۸ • سرنوشت مشترک مروان با زیاد ۳۷۰ • پس‌بینی! ۳۷۲ • راجع به سفرهای معاویه به یثرب ۳۷۴ • گفت و گویی با عبادله! ۳۷۵ • درنگی پیرامون این گزارش ۳۷۹ • چند پرسش: ۳۷۹ • میان روایت‌های معارض ۳۸۱ • نمونه‌ای از غلط‌های مشهور ۳۸۲ • میان روایت دیگر ۳۸۳ • نمونه‌های دیگر ۳۸۴ • درنگی در محتوای متن ۳۸۵ • جمع بندی ۳۸۶ • عبدالله بن عباس؟ ۳۸۷ • یزید داماد ابن عباس! ۳۸۸ • ازدواج‌های سیاسی ۳۸۹ • جای خالی ابن عباس ۳۹۰ • گره‌گشایی از دو معما ۳۹۱ • تار و بود تاریخ ۳۹۲ • داوری‌های دشوار ۳۹۳ • در انتظار واقعه! ۳۹۴ • بیماری پرسش انگیز

معاویه ۳۹۵ • نکته‌های نهفته در این متن ۳۹۸ • از رازهای مگو ۳۹۹ • توطئه‌ی سکوت ۴۰۰ • فزون بر این همه ۴۰۱ • بیماری اعصاب ۴۰۲ • فشاری توان فرسا ۴۰۴ • فراوایت! ۴۰۵ • ناگفته‌ها ۴۰۵ • پیش‌گیری از تفسیری نادرست ۴۰۶ • هم‌گام با معاویه در بازگشت ۴۰۹ • فرضیه‌های دور از باور ۴۱۰ • پیوند پدر و پسر ۴۱۲ • حداقل انتظار از مخاطب ۴۱۳ • مروان! ۴۱۴ • خون طلحه و زبیر ۴۱۵ • با این همه، ۴۱۶ • پرسش کلیدی ۴۱۷ • سیاست کاخ سبز ۴۱۸ • از زاویه‌ای دیگر ۴۱۹ • واقعیتی انکارناپذیر ۴۲۰ •

سراب قارت ۴۲۳ • پیش از هر چیز! ۴۲۵ • به روایت بلاذری ۴۲۶ • آمیزه‌ای از درست و نادرست ۴۲۸ • نکته‌های دیگر ۴۱۰ • تلاش‌های معاویه برای ترمیم روابط ۴۳۱ • ازدواج سیاسی ۴۳۳ • جمع‌بندی ۴۳۵ • قضای روال دمشق - مدینه ۴۳۶ • در میان ازدواج‌های سیاسی ۴۴۲ • دغدغه‌ای نگران‌کننده‌تر ۴۴۳ • در میان اما و اگرهای تاریخ ۴۴۴ • راجع به نام این بخش ۴۴۵ • زمزمه یا فریاد! ۴۴۶ • تماشاگاه راز! ۴۴۸ • امارت مروان ۴۴۹ • رشتن این وزی ۴۵۱ • درنگی در اثر این اثر ۴۵۲ • خشم معاویه از این و آن ۴۵۳ • مدعیان میراث معاویه ۴۵۵ • خودکامی و بان و پی آمده‌های آن ۴۶۰ • نیم‌نگاهی به سرنوشت فدک! ۴۶۲ • سیاست‌های معاویه در نگاهی دیگر ۴۶۳ • سجنه ۴۶۴ • ری برای سرکوبی ۴۶۴ • تفاوتی میان پسران عثمان با دیگران ۴۶۶ • پاسخ به یکی از پرسش‌ها ۴۶۷ • سخن در راندن یزید به سوی گرداب خشونت ۴۶۸ • بازگشت به پرسش ۴۶۹ • از اولین‌های تاریخ ۴۷۰ • نیم‌نگاهی به سخن‌های گذشته ۴۷۱ • نخستین نشانه ۴۷۲ • تفسیر دیگران از «برادرخواندگی» زیاد ۴۷۳ • سخن از کدام تنگناست؟ ۴۷۴ • اصلی در سیاست‌های کاخ سبز ۴۷۴ •

سرنوشت زیاد در ترازوی مقایسه ۴۷۷ • واکنش به زمزمه‌ای گوش‌خراش ۴۷۹ • رمزگشایی از متن‌هایی از این دست ۴۸۰ • راز هر سخن، تابعی از فضای آن ۴۸۲ • آری، این دو، نیز از ۳ بازیگر ۴۸۲ • آشفتگی مضاعف در روایت‌های تاریخی ۴۸۷ • چند پرسش: ۴۹۱ • نمونه‌ای از «استاد» پردازی‌ها ۴۹۴ • در محفل قصاص شام ۴۹۶ • نکته‌ای در روش‌شناسی = مرز خاطره‌نما و خاطره! ۴۹۸ • تاریخ‌نگاری سنتی و... ۵۰۳ • دو نهاد در ترازوی مقایسه ۵۰۴ • جمع‌بندی ۵۰۵ • بازگشت به کاری ناتمام ۵۰۶ • نکته‌ای ناآشنا ۵۰۶ • خلاصه‌نویسی پرسش‌انگیز طبری ۵۰۸ • پاسخ‌هایی گذرا ۵۰۹ • توجیه ویژگی پرسش‌انگیز در بزماری داستان‌ها ۵۱۰ • زیاد، در رقابتی پرهزینه با یزید ۵۱۱ • دو روش با دو ذائقه ۵۱۳ • نانوشته‌ها ۵۱۶ • نسبت از فصل مشترک، در سرنوشت ۳ بازیگر ۵۱۸ • دو نکته ۵۱۹ • نقطه عطفی در تاریخ اسلام ۵۲۰ • ائتلاف سهمگین مخالفان ۵۲۲ • شعله‌های آتش جنگ قدرت ۵۲۳ • نام‌هایی گره‌گشا ۵۲۴ • مطالبات زیاد ۵۲۵ • شاهدهی دیگر ۵۲۸ • پرسش کلیدی ۵۳۰ • نگوید، که می‌دانم! ۵۳۰ • چه می‌توان گفت؟ ۵۳۱ • در مرز حلّ معما ۵۳۲ • اندر بانگر تو از چشمان من! ۵۳۳ • مفهوم نفرین به زیاد ۵۳۴ • پیچیدگی تاریخ ۵۳۵ • دو نگاه متفاوت ۵۳۸ • راز نگاه دوم ۵۴۰ • زیاد، در زخمی منور ۵۴۱ • دیدگاه این جوی ۵۴۳ • حاتم‌بخشی‌های معاویه ۵۴۴ • ستایشی از تاریخ‌نگاران سنتی ۵۴۶ • ازدواج‌های سیاسی ۵۴۷ • پشت پا به آن همه افتخار، با کدام آرزو؟ ۵۴۸ • روابط معاویه و زیاد در نگاهی دیگر ۵۵۰ • کدام یک از دو نام؟! ۵۵۱ • قربانیان سیاست و نظام سلطه ۵۵۲ • دو نکته ۵۵۵ • بدبینی

معاویه ۵۵۵ • ناهم‌گونی در دو سیاست ۵۵۶ • خود وارسته نمایی و فرافکنی ۵۵۸ • سخنی از مغیره ۵۵۹ • رقابت زیاد و مغیره ۵۶۰ • پس از مغیره ۵۶۰ • حاشیه‌ای بر افسانه ده‌ه‌ه‌ال‌عرب ۵۶۱ • مرز حدیث، خبر، خاطره و تحلیل ۵۶۲ •

چرخش در سیاست کاخ سبز ۵۶۵ • شاه‌کلید معاویه ۵۶۷ • سیاست چماق و هویج ۵۶۸ • درنگی در شرایط تاریخی ۵۷۰ • ساده‌اندیشی ۵۷۱ • شرایط تاریخی ۵۷۲ • کشتی نشستگان! ۵۷۳ • تأملی در تعبیر «سر زیر آب کردن» ۵۷۳ • سیاستی پرسش‌انگیز ۵۷۴ • سهل‌انگاری‌های مکرر ۵۷۶ • واقع‌بینی ۵۷۸ • آشفتگی روایت‌هایی از این دست ۵۷۹ • فرصتی برای خوارج ۵۸۱ • از روزن روایت‌هایی از این دست ۵۸۳ • روز مبادا! ۵۸۴ • طبقه‌بندی خوارج ۵۸۵ • از میان نکته‌ها ۵۸۶ • خوارج کوفه پیش از عبیدالله ۵۸۸ • حرمت شکنی بانوان ۵۸۹ • بهره‌کشی از ریان چونان سپر! ۵۹۱ • نقش بانوان در جنبش عدالت‌خواهی ۵۹۲ • کلیدواژه‌ای ناشناخته! ۵۹۶ • ترایه، کلیدواژه‌ای در سبک نگارش ۵۹۱ • خطای زیاد در بزرگ‌بینی نقش هیاهو ۵۹۸ • بر سر چند راهی‌ها ۵۹۹ • اندیشه در ادبیات - طبقه‌ها و جمعه ۶۰۳ • رمزگشایی از سخن معاویه ۶۰۵ • درنگی کوتاه ۶۰۶ • شورش‌های عراق ۶۰۸ • نکته‌ای کلیدی ۶۰۹ • کست زیاد در جایگزین کردن «ترایه» به جای خوارج ۶۱۰ • زمان رخداد؟ ۶۱۲ • چراغ سبز به خوارج ۶۱۵ • رازهایی ناشناخته از سیاست زیاد ۶۱۶ • درنگی در روابط زیاد با خوارج ۶۱۸ •

نمایه ۶۲۳

حسن ختام گام نخست!

خدای را سپاس که توفیق‌اش را بر این قلم درخشان نکرد؛ چنان‌که اینک مجموعه‌ی «تاریخ اسلام...» به جایی رسیده است که چشم‌اندازی روشن و امیدبخش را در نگاه‌ام می‌نشانند: هم‌اکنون می‌توانم امیدوار باشم که «حسن ختام» کارنامه‌ام، نگارش «رام‌گو» بر: بازخوانی عاشورا باشد!

حماسه‌ای فراتر از آن چه بر تارکِ تمدن‌های بزرگ رخشیده و در هریک رنگ و بویی از جاودانگی‌ست؛ چنان‌که: در فراز و فرود تاریخ؛ هرگاه شستی تمدنی به گل نشسته و اهریمن پلیدی و پلشتی با آهنگ فروبلعیدن دست‌آورد کاروانی رخ نموده است، روح حماسه‌ای بادورباش به ناامیدی، جامعه‌ای نیمه‌جان - و در بستر احتضار - را با معجزه‌ی عشق زندگی زینت بخشیده است!

در تاریخ ادیان هم این صلیب مسیح است که چونان پرچمی همیشه برآشفت: چشم‌های اشک‌آلودی را نوازش داده و می‌نوازد که داستانِ نومی‌شان را - در هیاهوی لشگریانِ بلند - نمی‌توان به قلم و بر کاغذ آورد! در نگاهی دیگر - به اسطوره‌ها - هم، صدای سخن عشق پر جنب و جوش از آن است که زندانی این مرز و آن دیوار باشد! هرچند جامعه‌ها در بازتاب این صدا هم سرنوشت می‌یابند؛ همه، به خوش‌شانسی ما نبوده‌اند که شاعری به توانایی حکیم ابوالقاسم فردوسی داشته باشند که از شعر، آسمان‌خراشی به بلندی شاهنامه برآورد و یادگار ماندگاری - از طبع بلنداش - برجای بماند؛ چنان‌که از هیچ توفان گزند نبیند!

این اما نباید غلط‌انداز باشد و ذهن و نگاه ما را دست‌خوش تنگ‌نظری کند؛ چنان‌که: از آوازه‌ی دلاوری رستم و درخشش خون سیاوش، سراپرده‌ای پدید آید که اندیشه‌ی ما را زندانی تعصب کوری کند؛ چنان‌که چنین نمادهایی را در فرهنگ‌های دیگر نبینیم و به انکار حماسه‌هایی برخیزیم که

سپهر هیچ تمدنی از آن خالی نیست!

خورشید این آسمان پرستاره

عاشورا را اما نمی‌توان در شمار حماسه‌های بشری برشمرد! به شرحی که در این تنگنا نمی‌گنجد. آن چه این قلم‌دار را به چنین باوری رسانده است، زلزله‌ای است که با آن رخداد رخ نمود! و جامعه‌ای شب زده، از خود بیگانه، سرد، خاموش، درمانده - در یخبندان بی‌تفاوتی! - و زمین‌گیر وابستگی به زر و زور را با پرتوهای آتش‌فشانی آشنا کرد که هرگز سرد و خاموش نشد!

«یغای یغ! که چندی ست: شور عاشورا را بی‌شعور می‌پسندیم، این چراغ هدایت را به توفان هیاهو سپرده‌ایم و با فرهنگ‌اش بیگانه‌ایم، یا در مرز بیگانگی! چنان که - هر سال - در برگزاری مراسم سال در چنین حادادی، سهم دانش و خرد را دست‌کم گرفته‌ایم و میدان را به گروه‌هایی سپرده‌ایم که - اگر خوش بین باشم - نمی‌توانم بر این واقعیت چشم فروبندم که: ارزش «معرفت» را دست‌کم می‌گیرند؛ ادراک با آن سرگردانداشته باشند؟

پوشش از نخبگان

بی‌آن که در این تنگنا بتوانم: وضع معجزه از را شرح و فاجعه‌ی «تحریف عاشورا» را ریشه‌یابی کنم، می‌پرسم:

مگر در مکتب اهل بیت^ع، هرگاه از ارزش زیارت، کعبه و ثواب تعزیه‌ی سیدالشهداء^ع سخن رفته است، «پس‌وند» عارفاً بحقه تکرار نشده است؟! این آیا جز به این معنی ست که:

شرط ارزش عاشوراسرایی، حسین‌شناسی ست؟!!

• آیا در آموزه‌های اهل بیت^ع بر «معرفت» تأکیدهای مکرر نشده است؟!
• یا می‌توان این واقعیت را انکار کرد که: عاشوراسرایی‌های مکتب‌پسندانه‌ی بایسته از «حسین‌شناسی» ندارد؟!!

• اگر داشت، آیا نقش این «مصباح هدایت» را در فرهنگ‌سازی، چشم‌گیرتر - از آن چه هست - نمی‌دیدیم؟!!

• آیا نباید فروغ این چراغ، به هیولای دروغ! دورباش می‌زد؟

ده‌ها سال است که این سوت‌هدل در آرزوی برداشتن گامی - هر چند کوچک - در این راه است. چندی در این اندیشه بودم که: زمینه برای نهضت فرهنگی در بازخوانی تاریخ اسلام فراهم شود؛

چنان که در «کفش کن» آستانه‌ی سربازان و سرداران این نهضت، نامی از این قلم‌دار ثبت و «گام‌جا»یی هم از این قلم برجسته شود!

سرانجام اما به این نتیجه رسیدم که: به هر روی زمینه‌ی عزمی جمعی فراهم نیست؛ چنان که بر سر دوراهی، باید راهی را برمی‌گزیدم:

۱. چون کار فردی را بسنده نمی‌دانم، دست روی دست بگذارم و گامی برندارم.
۲. باید گامی - هر چند کوچک - بردارم و بگویم: از این قلم، حرکت و از او برکت! *إن شاء الله*. چرا که بارگران بازخوانی تاریخ اسلام، به گردهای توان‌تر از دوش فرد، نیاز دارد.

دیوانه‌ی پاب‌نمه از جوی گذشت!

سرانجام بر آن شدم که خود را در حضور در صفِ رهروان این راه، ناکام نپسندم و در برداشتن گامی - هر چند کوتاه - کوتاهی نکنم؛ اما متفاوت، و با این باور که:

اینک - در تاریخ اندیشه - به نقطه‌ی عطفی رسیده‌ایم؛ چنان که نمی‌توان - در هیچ زمینه‌ای - بر ضرورت بازخوانی چشم‌پوشی کرد.

اگر برای این مجموعه نام «تاریخ اسلام» - مصداق دگراندیشی... را برگزیده‌ام، با چنین نگاهی‌ست. چنین است که بارها و بارها - در هر سطح و خُم این راه - این یادآوری را چون «ترجیع‌بندی» مکرر کرده‌ام که:

آن چه را از این قلم به یادگار می‌گذارم، جز «درآمدگونه» این بازخوانی تاریخ اسلام نیست؛ با این توضیح: منابع تاریخ اسلام را که از تاریخ‌نگاران سنتی - و گاه مآخذ مآخذ است ورق می‌زنم و می‌کوشم: بایسته‌های پژوهش را - چندان که ظرف تجربه‌ها و ظرف اندیشه‌ام اجازه می‌دهد - فهرست کنم. بر این پایه در گزارشی از «رخ‌دادهای تاریخ اسلام» در نخستین قلم، بیش از هر چیز: نگاه‌ام بر کاستی‌ها و پرسش‌ها متمرکز است؛ چنان که در هر زمینه تا می‌توانم: پرسش‌ها را بی‌پاسخ دست می‌گذارم. هرچند در این میان - با نوشته‌هایی مستند به سند یا گواهی و سرنمی‌خردپذیر - در فرضیه‌سازی هم تکاپویی دارم.

پوزش از مخاطب

اعتراف می‌کنم که: پیچ و خم‌های چنین راهی، برای مخاطب، خسته‌کننده است. چه، در پی هر گزارش، پرسش‌هایی را در میان می‌گذارم که: در تاریخ‌نگاری سنتی، به هر روی از آن سخنی نرفته است. پاسخ‌خردپذیر به هر پرسش، در گرو پژوهشی بایسته است که - حتا اگر بتوان به اطلاعات قابل

قبولی در هر زمینه دست یافت - در بررسی، ارزیابی و تحلیل اطلاعات، به «روش» تعریف شده‌ای نیاز داریم و این در شرایطی است که - در وضع موجود - در «روش‌شناسی تاریخ» در خم یک کوجه‌ایم! بر این پایه اگر: پی‌درپی کاستی‌های کنونی را یادآور می‌شوم، با این انگیزه است که مخاطب را فریب ندهم! او، باید بداند: آن چه را می‌توانم - در بهترین حالت - در میان گذاشتن فرضیه‌هایی است خردپذیر؛ چنان که باید بداند: بر چه پایه‌ای به این یا آن فرضیه رسیده‌ام.

گام نخست

تا امره^۱ برداشتن یکی از دو گام را توفیق یافته‌ام. چه، هدفام در آغاز چنین راهی، انجام کاری معطوف به عاشورا شناسی بوده است. چه نیاز اما به توضیح که: تا از پیچ و خم‌های:

- عصر بعثت،
- توسعه‌ی خلافت،
- روزگار عثمان،
- اصلاحات علوی،

• هجرت سوم (= بازگشت حسنین^ع از عراق به حجاز)

و سرانجام «امامت حسنین^ع در روزگار معاویه» بگذریم، نمی‌توان: در راه «عاشورا شناسی» گامی برداشت. اینک اگر می‌گوییم: نخستین گام را برداشته‌ام، اشاره‌ام به ۹ جلد - از این مجموعه - است که با اعتراف به ناتوانی در سپاس این انعام، «اتمام اکرام» است. آرزو مند و خداوند را به پاس توفیق نگارش آن، سپاس می‌گزارم و هم‌زمان عاجزانه می‌خواهم: در برداشتن گام دوم نیز، هم چنان‌ام و امداد توفیق خود بخواد، صدالبته که از لغزش قلم نیز به او امید می‌رسم و چنین نیازی، در دل همان نخستین خواهش‌ام، نهفته است.

در این تنگنا به شرح کارهای انجام شده نمی‌پردازم و به همین اکتفا می‌کنم:

- در نخستین جلد - از این مجموعه - سخن از عصر بعثت است.
- در جلد دوم، با گزارشی از فرایند شکل‌گیری خلافت - پس از رحلت پیامبر^ص - و تلاشی برای گره‌گشودن از «معمای سقیفه» پرسش‌هایی را در زمینه‌ی جنگ‌های داخلی - به نام رده - در میان گذاشته‌ام؛ چنان که نکته‌هایی را هم در نگاه به توسعه‌ی قلمرو خلافت، بر کاغذ آورده‌ام. در این گزارش، نه سیاه‌نمایی کرده‌ام چنان که بر افتخارها، دلوری‌ها و فداکاری‌های یاران پیامبر^ص چشم فرو بندم.

نه بر کاستی‌هایی چونان «فاجعه‌ی تعطیل قلم» و «گرایش به قرائت خشونت» چشم فرو بسته‌ام.

چنین است که با اشاره به کاستی تاریخ‌نگاری سنتی - که در مثل: جنگ‌های خلفا را با جهاد عصر بعثت، هم‌سان پنداشته و مرزبندی نکرده‌اند - از ضرورت طبقه‌بندی دقیقی در این زمینه یاد کرده‌ام. * در جلد سوم از این مجموعه، سخن از روزگار عثمان است؛ با تلاشی معطوف به آشنایی مخاطب با نمونه‌ای از کاستی‌های کلیدی، در تاریخ‌نگاری سنتی با این توضیح:

در فتنه‌های سیاهی که پس از رحلت پیامبر^ص خورشید بعثت را کم‌فروغ کرد، هر دو گروه تاریخ‌نگار - در جهان اسلام - از نگاه بایسته‌ای به تاخت و تاز «آل ابوسفیان» دریغ کرده‌اند! بر این باورم که:

هم‌جا انتقاد از خود با آسیب‌شناسی کار قلم‌دارانی ست که: به حرمت یاران پیامبر^ص پایبند بایسته‌ای نداشته و ندارند.

هم نمی‌توان به فتنه‌های سیاه بنی‌امیه چشم فرو بست و دست‌هایی را ندید که: به خون ده‌ها هزار مسلمان - ابوسفیان - آلوده است؛ چنان که در میان آنان، اصحاب بیعت رضوان و بدریون حضور داشتند؛ چه می‌گویم! نه تنها بر کارنامه‌ی آل ابی‌سفیان که در آن - فزون بر آن چه گذشت - ننگی چون خون یحیی بنی‌نوی، فراموش ناشدنی ست! که در بررسی کارنامه و کار سقیفه‌سازان هم نمی‌توان به نقد را فرو بست! چه، پی‌آمد چنین محدودیتی، بسته شدن باب تاریخ‌نگاری و پذیرش یکه‌تاز شدن سالم‌ستیزان در این میدان است. با این همه، بر این باورم که: جهان اسلام در این زمینه، گفت‌وگوی سالم نیازمند است؛ چنان که اگر پذیرای گفت و گو نباشیم، همه چیز را با هیاهو، هم‌جا ان‌گوب خواهیم کرد!

* جلد‌های ۴، ۵ و ۶ از این مجموعه را به «اصلاحات علوی» اختصاص داده‌ام و بر این باورم که: با چشم فرو بستن بر آن اصلاحات، جهان اسلام از افتخارهای بزرگی محروم شده است! با که این راز دل را باید در میان گذاشت که: شائبه‌ها و شبهه‌های بی‌پایه بر نسل جوان ما آوار شده است؛ چنان که اگر اصلاحات علوی را نادیده بگیریم، نمی‌توانیم از رازهایی برگرفت که: در زبان‌زد شدن «کیش مهر» به نام دین خشونت و شمشیر! نقش آفرینی داشته‌اند. این مغالطه، باتلاق این نسل است و قربانی‌های بسیار گرفته است.

در جلد‌های ۷، ۸ و ۹ سخن از امامت حسنین^ع به روزگار معاویه است.

طرفه آن که: عزیزی از اهل قلم - در جهان اسلام - بر پیمان «جنگ بس» تأکید دارند و با آن به یکه‌تازی آل ابوسفیان مشروعیت می‌دهند؛ بی‌آن که به این واقعیت روشن نیم‌نگاهی داشته باشند که: این معاویه بود که به آن پیمان پایبند نماند!

با کدام توجیه می‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که:

با بدعتِ «و لایتعهدی» در روزگار معاویه، ساز و کار «شورا» و «بیعت» به فراموشی سپرده و سلطنت موروثی جایگزین مردم‌سالاری - در تمدن نوپای اسلامی - شد!
این رشته را ناگزیر کوتاه می‌کنم و چند سطر را به بخش‌های این جلد - با تفصیل بیشتری - اختصاص می‌دهم:

در این جلد که در ۱۰ بخش‌اش نگاشته‌ام، بخشی از کارنامه‌ی معاویه - به روزگار حسین بن علی^ع - را، به شرح زیر ورق زده‌ام:
در بخش نخست - با نام: زنان در روزگار یکه‌تازی معاویه - نمونه‌هایی از ادبیات داستانی در آن روزگار را آورده‌ام که در آن همه:
سخن از بانوانیست که در دیداری با معاویه، پرده‌هایی از فرهنگ آن جامعه را به نمایش گذاشته‌اند.

قصاص شام

در جای جای این مجموعه، بارها - به این نخستین بار - از نقش گروهی سخن رفته است که تاکنون از نگاه ارباب تاریخ و اصحاب حدیث پنهان مانده و در علوم اقماری حدیث هم از آن یاد نشده است. گام جای آنان اما در همه‌ی منابع معتبر تاریخ و حدیث چشم‌گیر است؛ چنان که سایه‌اش بر «صحاب» و «بحار» فریقین سنگینی دارد. با اندیشه در حدیث‌های فراوانی که رنگ و بویی از داستان دارد، جای تردیدی نمی‌ماند که:

این معاویه بوده است که ادبیات داستانی را در فرهنگ جاری به خدمت گرفته است؛ چنان که: روزی که او برای امضای پیمان «جنگ بس» به عراق آمد، در اردوگاه‌اش، «قصاص» و داستان‌پردازان با قراء شام رقابت داشتند. طرفه آن که از آن روزها به دو دهه - می‌گذرد، نقش یکی از این دو گروه نخیه - به سود دیگری - کم رنگ و کم رنگ شده است؛ چنان که گویی: قراء - به سود قصاص - در روند هضم بوده‌اند! مسعودی هم آن گاه که ره - سب معاویه را - در گزارش - پردازش کرده است، تصویری را به نمایش گذاشته که در آن: این داستان‌پردازانند که گوی سبقت را در تقرب به کانون قدرت، از مجریان، مشاوران و رازداران سیاسی معاویه ربوده‌اند. به هر روی آن چه را در نخستین بخش - از این جلد - آورده‌ام، نمونه‌ایست از: کارنامه و کار «قصاص شام» چنان که در گزینش آن کوشیده‌ام؛ گامی در جبران کاستی چشم‌گیری بردارم.